

«قَلَامِسَه» خوانده می شدند.^۸ بنی فقیم به این جایگاه که از پدر به پسر منتقل می شد، افتخار می کردند.^۹ (← نسیء)

ابوئمامه آخرین «قَلَمَس» یعنی اعلان کننده نسیء^{۱۰} و ۴۰ سال عهده دار این کار بود.^{۱۱} او تقریباً ۳۱ سال پیش از هجرت پیامبر ﷺ به این جایگاه رسید و تا سال نهم ق. که آخرین سال استفاده از نسیء بود، آن را اعلان کرد.^{۱۲} در سال دهم ق. که موسم حج در ذی حجه واقعی قرار گرفت، رسول خدا ﷺ در حجة الوداع نسیء را ممنوع شمرد. پیامبر ﷺ در همین سال آیه مشتمل بر حکم حرمت نسیء را به مردم ابلاغ کرد^{۱۳}: «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَ يُخْرَمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ «جز این نیست که نسیء فزونی در کفر است که با آن، کافران گمراه می شوند؛ یک سال آن را حلال و سال دیگر را حرام می کنند تا به مقدار ماههایی که خداوند تحریم کرده، برسد

الموطأ: مالك بن انس (م. ۱۷۹ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۶ق؛ الميزان: الطباطبائي (م. ۱۴۰۲ق.)، بيروت، اعلمى، ۱۳۹۳ق؛ نهج البلاغه: شرح عبده، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۲ق؛ وفاء الوفاء: السمهودى (م. ۹۱۱ق.)، به كوشش محمد عبدالحميد، بيروت، دار الكتب العلميه، ۲۰۰۶م.

حسين حسينيان مقدم



ابوئمامه کنانی: آخرین اعلان کننده

نسیء در ماههای حرام

ابوئمامه، جناده^۱ یا امیه^۲ بن عوف، از قبيله بنی کنانه است و نام جد او را امیه^۳، سلمه^۴ و جناده^۵ یاد کرده اند. وی از تیره بنی فقیم است که متصدی «نسیء»^۶ بودند. نسیء^۷ جا به جا کردن ماههای حرام به دست عرب جاهلی بود و متصدیان ویژه ای داشت که

۱. تاريخ طبرى، ج ۲، ص ۲۸۶؛ مجمع البيان، ج ۵، ص ۴۵؛ الاصابه، ج ۷، ص ۵۲؛ ج ۱، ص ۶۱۰.
۲. الاصابه، ج ۷، ص ۵۲؛ ج ۱، ص ۲۶۸.
۳. تفسير مقاتل، ج ۱، ص ۴۴۸؛ تاريخ طبرى، ج ۲، ص ۲۸۶؛ المنتظم، ج ۲، ص ۳۲۲.
۴. جمهرة انساب العرب، ص ۴۹۴.
۵. الاصابه، ج ۱، ص ۶۱۰.
۶. السيرة النبويه، ج ۱، ص ۴۴؛ تاريخ يعقوبى، ج ۱، ص ۲۳۲.
۷. السيرة النبويه، ج ۱، ص ۴۴؛ تاريخ يعقوبى، ج ۱، ص ۲۳۲؛ جمهرة انساب العرب، ص ۴۹۴.

۸. تاريخ يعقوبى، ج ۱، ص ۲۳۲؛ جمهرة انساب العرب، ص ۴۹۴.
۹. نك: البداية و النهايه، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۷.
۱۰. المحتر، ص ۱۵۶؛ انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ تاريخ يعقوبى، ج ۱، ص ۲۳۲.
۱۱. انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۱۴۱؛ الاصابه، ج ۱، ص ۶۱۰.
۱۲. تاريخ طبرى، ج ۲، ص ۲۸۶؛ التنبيه و الاشراف، ص ۱۸۶؛ البداية و النهايه، ج ۲، ص ۲۰۶.
۱۳. السيرة النبويه، ج ۲، ص ۶۰۳-۶۰۴؛ مجمع البيان، ج ۵، ص ۴۶.

(و عدد چهار ماه به پندارشان کامل گردد) و بدین ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال شمرند. کارهای زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند». (توبه/۹، ۳۷)

ابو ثمامه تا دوران خلافت خلیفه دوم زنده بود.^۱ منابع به مسلمان شدن و تاریخ وفاتش اشاره ندارند. تنها سهیلی قائل به مسلمان شدن اوست. او به گزارشی استناد می کند که حاکی از حضور ابو ثمامه در مراسم حج در دوران خلافت عمر بن خطاب است.^۲ از گزارش‌ها برمی آید که وی تا سال نهم ق. مشرک بوده است.^۳ بنا بر این، گویا گرویدن او به اسلام، پس از فتح مکه بوده است.

◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق؛ البدایة و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق.)، بیروت، مکتبه المعارف؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش محمد

۱. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. الاصابه، ج ۱، ص ۶۱۰.

۳. نک: التنبيه و الاشراف، ص ۱۸۶.

ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ ق؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان: مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ ق.)، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت، التاریخ العربی، ۱۴۲۳ ق؛ التنبيه و الاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ ق.)، بیروت، دار صعب؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ ق.)، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸ ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المکتبه العلمیه؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتز، بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.

سید مرتضی حسینی شاه ترابی



ابو جعفر محمد بن حسن عباسی: از

والیان مکه در سده چهارم ق.

ابو جعفر محمد بن حسن بن عبدالعزیز به عباسیان نسب می برد.^۴ در منابع از زندگی او اطلاعی ارائه نشده است. بر پایه گزارشی، پس از آرام شدن اوضاع مکه که به سبب هجوم قرامطه* به سال ۳۱۷ ق. بحرانی شده بود، به

۴. امراء مکه، ص ۱۲۷.